

هُوَ اللَّهُ - يا من امتحن من هو ميزان الأمتحان، حكايت...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



هُوَ اللَّهُ

يا من امتحن من هو ميزان الامتحان، حكايت کنند که روزی حضرت امير عليه السلام بر لب بامی بود شخص بیگانه ئی عرض نمود یا علی مطمئن بحفظ و حمایت و صیانت حق هستی. فرمودند کیف لا و انا اول مؤمن بالله. عرض کرد پس اعتماد بر حفظ حق نما و خود را از لب بام فرو انداز. فرمودند هر عالی دانیرا باید امتحان نماید نه هر کس در هر جا للمولی ان یمتحن العبد و لیس للعبد ان یمتحن المولی. اینست که هفت قبیله از قبائل عرب در حضور حضرت رسول روحی له الفدا حاضر و هر یک امتحاناً معجزه ئی خواستند. یکی حتی تفجر لنا من الأرض ینوعاً گفت. دیگری او تأتي بکتاب من السماء بر زبان راند. دیگری او یكون لك بیت من زخرف گفت. دیگری او ترقی الى السماء بر زبان راند. چون مقصدشان امتحان بود جواب کل قل سبحان ربی هل كنت الا بشراً رسولا شد و انک انت استفت قلبک فتری ان الکلمة اشتقت و الاحرف استنطقت و النقاط تفرقت و الحقيقة ظهرت و الآیة نطقت و انوار الوحي تشعشت هل بعد النور الا الادیجور و هل بعد الضحی و الاصل الا جنح اللیالی الظلماء فاختر ما تشاء ان ربک یهدی من یشاء ع



ORIGINAL



AUDIO